

( آب را گل نکنیم ) (۲)

( در فرو دست انگار      کفتری می خورد آب ) (۲)  
( یا که در بیشه ای دور      سیره ای پر می شوید  
یا که در آبادی      کوزه ای پر می گردد ) (۲)

( آب را گل نکنیم ) (۲)

شاید این آب روان      می رود پای سپیداری  
تا فرو شوید      اندوه دلی

( دست درویشی شاید

نان خشکیده فرو برده در آن ) (۲)

( چه گوارا این آب      چه زلال این رود ) (۲)

( مردمان سر رود ) (۲)      آب را می فهمند

گل نکردندش      باری (آب را گل نکنیم) (۲)

( ل ل ل ل ) (۴)

ما نیز      (آب را گل نکنیم) (۲)

آب را گل نکنیم